

# نارنج بیهمق

از منظر «فرهنگ شناسی»



دکتر مهوش واحد دوست

**تاریخ بیهقی**

**از منظر «فرهنگ‌شناسی»**

**دکتر مهوش واحد دوست**

**دانشیار دانشگاه ارومیه**

**ویراستاران:**

**همدم جلال زاده**

**مریم عابدی**

عنوان و پدیدآور	: تاریخ بیهقی از منظر «فرهنگ‌شناسی» / مهوش واحدپرست: ویراستاران همد، جلال‌زاده، مریم عابدی،
مشخصات نشر	: تهران: کتابفروشی و انتشارات زوار، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری	: ۶۰۶ ص.
یادداشت:	: کتابنامه
عنوان قراردادی	: تاریخ بیهقی، شرح
موضوع:	: بیهقی، محمدین حسین، ۳۸۵-۴۷۰ق، تاریخ بیهقی - نقد و تفسیر
موضوع:	: Beihaqi, Mohammad ibn Hossein, 995 -1077. Tarikh Beihaqi - - Criticism and Interpretation
موضوع:	: نشر فارسی - قرن ۵ق. تاریخ و نقد
موضوع:	: Persian prose literature - - 11 <sup>th</sup> century - - History and criticism
موضوع:	: فرهنگ در ادبیات
موضوع:	: Culture in literature
موضوع:	: ایران - تاریخ - غزنویان، ۳۵۱-۵۸۲ق.
موضوع:	: Iran - - History - - Ghaznevids, 962-1186
سرشناسه	: واحد دوست، مهو، ۱۳۳۵
شناسنامه افزوده	: جلال‌زاده، همد، ۱۳۶۱، ویراستار
شناسنامه افزوده	: عابدی ولوجردی، مریم، ۱۳۴۷، ویراستار
شناسنامه افزوده	: بیهقی، محمدین حسین، ۳۸۵-۴۷۰ق. تاریخ بیهقی، شرح
شناسنامه افزوده	: Beihaqi, Mohammad ibn Hossein, 995 -1077. Tarikh Beihaqi
وضعیت فهرست‌نویسی:	: فیبا
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۱-۵۵۶-۴
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۰/۰۵۱۳
رده‌بندی کنگره	: DSR ۷۹۱ / ب ۹ ت ۲۰۸۴۵۶ ۱۳۹۷
شماره کتابخانه ملی	: ۵۴۶۸۲۱۷



- تاریخ بیهقی از منظر «فرهنگ‌شناسی»
- نویسنده: دکتر مهوش واحد دوست
- ویراستاران: همد، جلال‌زاده، مریم عابدی
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸
- شمارگان: ۲۲۰ نسخه
- نظارت بر چاپ و صحافی: فرناز کریمی
- چاپ و صحافی: موسسه سیمین
- شابک: ۹۶۴-۴۰۱-۵۵۶-۴
- تهران - خیابان انقلاب - خیابان دوازدهم فروردین
- نبش شهید نظری، پلاک ۲۷۸
- تلفن: ۰۳-۶۶۴۶۲۵-۶۶۴۸۳۴۲۳-۶۶۴۸۳۴۲۴
- قیمت: ۹۵۰۰۰ تومان

تقدیم به مادرم که اسوه صبر و بردباری بود

و صبوری را به من آموخت.

## فهرست مطالب

پیش درآمد ..... ۲۳

### فصل ۱: کلیات ..... ۱

جامعه: جامعه‌شناسی؛ نظریه جامعه‌شناختی ..... ۳-۴

فرهنگ ..... ۵

الف) مفهوم فرهنگ در انسان‌شناسی ..... ۵

ب) مفهوم فرهنگ در جامعه‌شناسی ..... ۶

فرهنگ مادی و غیرمادی ..... ۸

فرهنگ و شخصیت ..... ۸

هنجارهای فرهنگی در جامعه ..... ۱۰

نهاد (سازه): انواع نهادهای اجتماعی؛ نهاد خانواده؛ نهاد سیاست؛ نهاد اقتصاد ..... ۱۰-۱۵

جامعه‌شناسی ادبیات ..... ۱۶

نقد جامعه‌شناسی اثر ادبی ..... ۱۹

تاریخ بیهقی از منظر نقد جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی ..... ۲۱

### فصل ۲: دانستی‌های عمومی درباره تاریخ بیهقی ..... ۲۳

روش بیهقی در تاریخ‌نگاری ..... ۲۵

ارزش تاریخی ..... ۲۶

ساختار و محتوای کلی تاریخ بیهقی ..... ۲۷

هدف از نگارش تاریخ بیهقی ..... ۲۸

گم شدن نسخه‌هایی از تاریخ بیهقی ..... ۲۸

منابع ابوالفضل بیهقی در تألیف تاریخ بیهقی ..... ۳۰

اشاره‌های بیهقی به منابع خود در ضمن تاریخ بیهقی ..... ۳۰

تاریخ‌های معاصر با تاریخ بیهقی: تاریخ سیستان؛ تاریخ یمینی؛ زین الاخبار یا تاریخ گردیزی؛ طبقات

ناصری ..... ۳۱-۳۲

۳۲	..... مزیت‌های تاریخ بیهقی بر دیگر تاریخ‌های هم‌زمان خود
۳۳	..... اعتمادسازی (اقناع) در تاریخ بیهقی
۳۴	..... روش‌های اعتمادسازی (اقناع) در تاریخ بیهقی
۳۸	..... ارزش ادبی تاریخ بیهقی
۳۸	..... عنصر زبان
۳۹	..... تنوع زبان و تأثیرگذاری آن
۴۰	..... مشابهت نثر بیهقی با نثر استادش بونصر مشکان
۴۰	..... نثر موزون تاریخ بیهقی
۴۱	..... تکرار اصوات و حروف
۴۱	..... کاربرد قید
۴۲	..... ترکیب‌سازی‌های خاص
۴۲	..... کاربرد صنایع لفظی و معنوی
۴۳	..... توصیف و اطناب
۴۵	..... توصیف شخصیت‌ها
۴۷	..... تکرار
۴۸	..... ایجاز

### فصل ۳: سیاست (قدرت و حکومت) ..... ۴۹

۵۱	..... بخش نخست: حکومت غزنویان
۵۱	..... سلسله‌مراتب در حکومت غزنویان
۵۱	..... اصل و نسب غزنویان
۵۲	..... ترقی غلامان ترک
۵۲	..... تشکیل دولت غزنویان
۵۳	..... دوره غزنویان تداوم دوره سامانیان
۵۳	..... شاهان و شاهزادگان غزنوی مذکور در تاریخ بیهقی
۵۴	..... آلبتگین
۵۴	..... سبکتگین
۵۴	..... محمود (۴۲۱ - ۳۸۷ ق / ۱۰۳۰ - ۹۹۷ م)
۵۶	..... مذهب محمود

- اختلاف میان محمد و مسعود پس از مرگ محمود..... ۵۶
- مسعود..... ۵۷
- اوضاع اجتماعی و سیاسی (اختلاف میان پدربیان و پسران) به روایت بیهقی..... ۵۷
- قحطی و خشکسالی در اواخر دوره مسعود..... ۵۹
- رواج جاسوسی و آنها و اشراف در زمان مسعود..... ۶۰
- وضع دربار..... ۶۱
- نفوذ ترکان سلجوقی..... ۶۲
- استبداد مسعود و سرانجام کار او..... ۶۲
- تعدادی از لشگرکشی‌های مسعود..... ۶۶
- شخصیت مسعود، جمع اضداد..... ۶۷
- بعضی از شاخصه‌های اخلاقی و رفتاری مسعود به روایت بیهقی: بخشش و عفو زندانیان؛ مشورت با اعیان، بزرگان و قوم خویش؛ شجاعت؛ صلح دادن به شعرا؛ دهن‌بینی؛ بی‌تدبیری؛ ریاکاری؛ دشنام‌گویی؛ مال‌دوستی؛ کینه‌جویی و انتقام؛ بدگمانی؛ اعمال خشونت‌آمیز و غیرانسانی؛ بی‌اعتنایی به مسائل مذهبی؛ شادخواری؛ خلف وعده..... ۶۸-۷۷
- کشته شدن مسعود و پایان حکومت غزنویان در ایران..... ۷۸
- سرنوشت بازماندگان مسعود..... ۷۹
- اوضاع اقتصادی و درآمدهای دولت غزنوی..... ۸۰
- بعضی از کردارهای شاهان غزنوی..... ۸۳
- بخش دو: دیپلماسی شاهان غزنوی..... ۸۷**
- اعتمادسازی در مخاطب (اقتناع)..... ۸۷
- اعتمادسازی در میان شاهان غزنویان..... ۸۸
- شکست غزنویان در استفاده از دیپلماسی اعتمادسازی..... ۹۰
- عوامل شکست دیپلماسی غزنویان..... ۹۱
- فریب و نیرنگ: گرفتاری ابوالفضل بیهقی به نیرنگ حاسدان؛ فروگرفتن حاجب‌علی قریب و منگیتراک؛ نیرنگ و دسیسه‌چینی برای دستگیری خوارزمشاه آلتون‌تاش..... ۹۱-۹۳
- دسیسه انتقام‌کشی..... ۹۴
- جاسوسی و آنها میان افراد خودی..... ۹۵
- مصادره اموال بزرگان و درباریان..... ۹۷
- دسیسه‌چینی برای پس گرفتن مال‌های صلتی..... ۹۷

- جرم و رفتار با مجرمان در دوره غزنویان ..... ۹۸
- پیش درآمد ..... ۹۸
- جرم و ارتکاب آن در دوره غزنویان به استناد تاریخ بیهقی: شیوه گرفتن و بند برنهادن؛ مصادره اموال مجرمان؛ قباله نوشتن اموال محکومان از جهت سلطان؛ تبعید کردن مجرمان؛ سربرهنه آوردن مجرمان برای مجازات؛ جامه بیرون کشیدن از مجرم هنگام بر دار شدن؛ دار بر کنار مصلا زدن؛ بر دندان پیل نهادن کشتگان؛ جریمه نقدی نهادن بر گناهکاران به نفع خزانه معمر سلطنتی؛ پوست کشیدن از خائن؛ سنگسار کردن مجرم بر بالای دار؛ آویختن مجرمان از دروازه شهر؛ بر عقابین کشیدن خاطیان؛ آب کشیدن در ستورگاه به نشان عقوبت؛ چوب زدن فرآشان و حاجبان؛ زندانی کردن محکومان در خانه‌ای تاریک؛ مثله کردن محکومان؛ قرآن خواندن هنگام دار زدن مجرمان؛ فرستادن سر اعدامی برای خلیفه؛ پوشاندن سر و روی محکوم به اعدام با کلاهخود؛ کور کردن مخالفان ..... ۹۹-۱۰۶
- دیپلماسی غزنویان با اعراب و بالعکس ..... ۱۰۷
- بعضی از نشانه‌های حضور، دخالت و نفوذ اعراب در ایران به استناد تاریخ بیهقی ..... ۱۱۰
- آداب و رسوم معمول غزنویان در دیپلماسی خود با اعراب ..... ۱۱۸
- مراسم استقبال از رسول خلیفه ..... ۱۱۸
- صله دادن به رسول خلیفه ..... ۱۲۰
- ترتیب صف ایستادن لشگریان در مقابل بارگاه به هنگام ورود سفیر و پیک خلیفه ..... ۱۲۰
- قرآن خواندن در مراسم استقبال ..... ۱۲۰
- آداب شُرف شدن رسول خلیفه (القادر بالله) به درگاه سلطان مسعود و تقدیم کردن پیشکش‌ها ..... ۱۲۱
- مراسم تهنیت و شادباش به مناسبت خلافت خلیفه جدید ..... ۱۲۱
- آداب خواندن نامه خلیفه ..... ۱۲۲
- بوق و دهل زدن پس از خواندن نامه خلیفه و نسخه‌برداری از آن نامه و فرستادن به نواحی مختلف ..... ۱۲۲
- آداب پذیرفتن خلعت خلیفه (القادر بالله) ..... ۱۲۳
- نماز خواندن سلطان پس از پوشیدن خلعت خلیفه ..... ۱۲۳
- مراسم عزاداری برای خلیفه ماضی ..... ۱۲۳

#### فصل ۴: تشکیلات درباری ..... ۱۲۵

- بعضی از عنوان‌های مهم درگاهی (درباری): سلطان؛ شاهنشاه؛ امیر؛ پرده‌دار؛ وظایف پرده‌دار؛ وکیل در؛ آغاجی؛ جامه‌دار؛ جاندار؛ غلامان سرایی؛ سالار غلامان سرایی؛ مشرفی غلامان سرایی؛ اشراف دستگاه؛ حوایج کش؛ خوان سالار؛ خازن؛ رکاب‌دار؛ آخور سالار (میرآخور)؛ دوات‌دار (دویت‌دار)؛ مُحدّث؛ ندیم؛ شراب‌دار؛ حاجب ..... ۱۲۳-۱۲۶



۱۳۴	شغل حاجبی در دوره‌های مختلف تا قاجاریه.....
۱۳۵	حاجب در دوره غزنویان.....
۱۳۸	بازگفتِ وظایف حاجبان در تاریخ بیهقی.....
۱۴۰	نحوه انتخاب حاجبان و مراتب آن‌ها.....
۱۴۱	لباس حاجبان.....
۱۴۲	تقدّم در ورود.....
۱۴۲	خمت دادن به حاجبان به مناسبت‌های مختلف.....
۱۴۲	حاجبان معروف در دربار غزنویان به روایت بیهقی.....
	مراسم‌های درباری: بر تخت نشستن؛ بار دادن؛ خالی کردن؛ اجازه نشستن و ایستادن در مجلس سلطان بر اساس مقام و رتبه؛ بازو گرفتن صاحب‌منصب در دربار؛ بوق و دهل زدن زمان ورود به دربار؛ دست‌بوسی؛ زمین‌بوسی؛ بوسیدن متعلقات سلطانی؛ آداب غذا خوردن؛ نشستن بر دست راست و چپ بزرگان در دربار؛ ختنه کردن؛ هدیه دادن به امیر؛ شکار کردن و رسوم آن؛ شکارپره؛ سپید پوشیدن به نشانه عزا؛ شعرخوانی شعرا و صله دادن؛ قرآن خواندن هنگام استقبال از سلطان؛ میهمانی دادن و آداب و رسوم آن؛ دندان‌مزد میهمانی؛ دندان‌مزد دادن به رسول؛ سیم گرمابه دادن به مهمان؛ اسب خواستن به مناسبت مقام و منصب؛ خطبه کردن..... ۱۶۲-۱۵۱

## فصل ۵: تشکیلات اداری (دیوان‌ها)..... ۱۶۳

۱۶۵	بخش نخست: کلیات.....
۱۶۵	تشکیلات اداری و سیاسی غزنویان (امور دیوان‌ها).....
۱۶۶	واژه دیوان از لحاظ لغوی.....
۱۶۷	اصطلاح دیوان.....
۱۶۷	پیشینه دیوان در اسلام.....
۱۶۸	پیشینه دیوان در ایران.....
۱۶۸	دیوان در نخستین سلسله‌های ایرانی.....
۱۶۸	دیوان در دوره سامانیان.....
۱۶۹	دیوان در دوره غزنویان و سلجوقیان.....
۱۶۹	محل دیوان‌ها در دوره غزنویان.....
۱۷۰	تشکیلات دیوانی.....

- بخش دو: دیوان وکالت** ..... ۱۷۱
- تعریف دیوان وکالت ..... ۱۷۱
- دیوان وکالت در تاریخ بیهقی ..... ۱۷۱
- بخش سه: دیوان وزارت** ..... ۱۷۳
- مراسم وزیر شدن ..... ۱۷۵
- تهنیت گفتن به وزیر ..... ۱۷۵
- کدخدا (پیشکاری وزارت، متصدی امور غیرجنگی) ..... ۱۷۵
- وزرای دولت غزنوی: ابوالعباس فضل بن احمد اسفراینی؛ شمس‌الکفاه ابوالقاسم احمد بن حسن میمندی؛ خواجه ابوعلی حسن بن محمد بن عباس میکال نیشابوری مشهور به حسنگ؛ ابوسهل احمد بن حسن حمدوی؛ احمد بن عبدالصمد شیرازی ..... ۱۷۵-۱۷۵
- بخش چهار: دیوان عرض** ..... ۱۷۹
- پیش درآمد ..... ۱۷۹
- دیوان عرض ..... ۱۸۰
- دیوان عرض در تاریخ بیهقی ..... ۱۸۱
- ساختار کلی دیوان عرض در دوره غزنویان ..... ۱۸۲
- جنگ و جنگاوری در دوره غزنویان ..... ۱۸۴
- اصطلاحات دفتر دیوان عرض: اثبات؛ مقاصه؛ بیستگانی؛ زیادت ..... ۱۸۷-۱۸۷
- ساختار لشگر غزنویان ..... ۱۸۷
- بخش‌های مختلف لشگر ..... ۱۸۷
- سران لشگری ..... ۱۸۷
- مراتب دیوان عرض: (۱) صاحب دیوان عرض یا عارض؛ (۲) سالار؛ (۳) سپهسالار؛ (۴) سرهنگ (کوتوال)؛ (۵) سرهنگ شمار؛ (۶) کوتوال؛ (۷) پاسبان لشگر؛ (۸) حشر؛ (۹) سباشی؛ (۱۰) تقیب؛ (۱۱) خیل‌تاش؛ (۱۲) سلاح‌دار؛ (۱۳) کدخدای ..... ۱۸۸-۱۹۲
- اصطلاحات مربوط به دیوان عرض: پره؛ تعبیه؛ ساقه؛ طلایه / طلایع؛ کردوس؛ مایه‌دار ..... ۱۹۳-۱۹۴
- ادوات جنگی معمول در دوره غزنویان: انگستوانه؛ خشت؛ دبوس؛ درآجه؛ زرادخانه؛ شغا؛ شل؛ طرآد؛ کیش؛ مطرد؛ منجنیق؛ ناچنج؛ نیم‌لنگ (به کسر لام) ..... ۱۹۴-۱۹۷

بعضی از آیین‌ها و رسوم رایج جنگ: دوری از جنگ و خون‌ریزی به سبب نگاهداشت حرمت ماه رمضان؛ اعطای لقب و منصب؛ رژه رفتن از جلوی شاه با رعایت سلسله‌مراتب؛ سان دیدن از لشگر قبل از حرکت؛ خلعت دادن به سرهنگان؛ امان دادن و خراج گرفتن از شکست‌خوردگان در جنگ؛ با خاک یکسان کردن حصار دشمن پس از غلبه؛ کوس کوبیدن و بوق زدن هنگام جنگ؛ حق مسلمانی و مجاورت نگاه‌داشتن؛ حرکت سپاهیان سلاطین و امرا با توجه به طالع منجم؛ آرایش جنگی مرسوم سپاهیان هنگام جنگ؛ علامت بزرگ سلطان در جنگ‌ها؛ تکبیر گفتن در جنگ‌ها؛ قرآن خواندن و تکبیر گفتن و کوس و بوق زدن هنگام آغاز جنگ؛ جنگ مصاف و جنگ ریشاریش؛ اعزام غلامان سرابی به جنگ؛ پیش پیل انداختن اسرای دشمن؛ سر کشتگان را بر سه‌پایه نهادن؛ به سر تازیانه لشگر شمردن؛ فرستادن منهی و عارض همراه لشگر ..... ۱۹۸-۲۰۴

صاحب‌منصبان دیوان عرض؛ ابوسهل زوزنی؛ آلتوتاش؛ ابوالقاسم کثیر؛ بوعلی کوتوال (سرهنگ)؛ تاش فراش (سپاه‌سالار)؛ علی دایه (سپاه‌سالار)؛ غازی (آسیقتگین، حاجب، سپاه‌سالار خراسان و سالار غازیان)؛ محسن (سرهنگ، پسر علی قریب) ..... ۲۰۵-۲۲۷

### بخش پنجم: دیوان اشراف ..... ۲۲۹

تعریف دیوان اشراف ..... ۲۲۹

شغل اشراف ..... ۲۳۰

تاریخچه دیوان اشراف و مشرفی در ایران و اسلام ..... ۲۳۰

دیوان اشراف در دوره غزنویان ..... ۲۳۶

اصطلاحات دیوان اشراف ..... ۲۴۰

مشرفان معروف دوره غزنویان: احمد بن حسن، بوسهل حمدوی، بوسعید؛ ابوالفتح دامغانی (عامل و مشرف)؛ ربیحان خادم؛ ابوالفتح حاتمی؛ ابوالقاسم بوالحکم؛ بوالمظفر جمحی؛ بوبکر؛ بوسعید بغلانی؛ بونصر صینی؛ بونصر نوکی؛ سعید صراف؛ عالی بن مظفر؛ مظفر بخرد؛ نوشتگین (خاصه خادم)؛ طغرل عضدی ..... ۲۴۱-۲۴۶

### بخش ششم: دیوان استیفا ..... ۲۴۹

پیشینه دیوان استیفا در ایران و اسلام ..... ۲۵۰

عصر عیلامی‌ها ..... ۲۵۱

عصر آریاییان قبل از تشکیل مادها ..... ۲۵۱

عصر مادها ..... ۲۵۲

نظام مالیه عمومی در عصر هخامنشی ..... ۲۵۲

اسکندر و سلوکیان ..... ۲۵۴

- اشکانیان ..... ۲۵۴
- نظام مالیّه عمومی در عصر ساسانیان ..... ۲۵۵
- انواع مالیات‌ها ..... ۲۵۶
- نرخ خراج ..... ۲۵۶
- عوارض ..... ۲۵۶
- مالیات آیین ..... ۲۵۶
- غنائم جنگی ..... ۲۵۶
- نظام مالیاتی ایران در دوره تسلط اعراب بر ایران ..... ۲۵۷
- جزیه ..... ۲۵۸
- خراج ..... ۲۵۸
- استیفا در عصر حکومت‌های ایرانی: طاهریان؛ صفاریان؛ سامانیان؛ آل بویه؛ غزنویان ..... ۲۶۱-۲۶۳
- اصطلاحات معمول در دیوان استیفا: حاصل و باقی؛ اجری؛ راتبه؛ اخراجات؛ ارتفاع؛ برات؛ خط دادن (دادن نوشته و سند)؛ بیستگانی؛ پایکاری (پاکاری)؛ تسبیب؛ تنخواه؛ توفیر؛ جبایت؛ حمل؛ خازن؛ خزانه؛ خراج؛ خراج‌گزار؛ شمار؛ عامل؛ مال بیعتی؛ مستح؛ مُستخرج؛ مستوفی؛ مُشاهره؛ مُقاطعہ؛ دینار؛ صدقات؛ مال؛ مصادره؛ مقاصه؛ موقوف؛ نفقات؛ مال بیعتی ..... ۲۶۴-۲۷۹
- مستوفیان معروف دوره غزنویان: طاهر مستوفی؛ ابوالفتح رازی؛ بومنصور؛ بوالحسن سیاری ..... ۲۸۰-۲۸۲
- بخش هفت: دیوان رسالت ..... ۲۸۵**
- معنی لغوی رسالت ..... ۲۸۵
- اصطلاح دیوان رسالت ..... ۲۸۶
- اهمیت دیوان رسالت ..... ۲۸۶
- دیوان رسالت در دوره غزنویان ..... ۲۸۶
- جایگاه دیوان رسالت ..... ۲۸۷
- اعتمادسازی در دیوان رسالت ..... ۲۸۸
- اعضای دیوان رسالت و چگونگی برگزیدن آنها ..... ۲۹۰
- منهیان دیوان رسالت ..... ۲۹۰
- معمول بودن دو زبان فارسی و عربی در دیوان رسالت ..... ۲۹۱
- وضع مالی صاحب دیوان رسالت و دبیران ..... ۲۹۱

نامه و نامه‌نگاری در دوره غزنویان؛ پیش درآمد؛ سبک و شیوه نگارش نامه‌ها؛ آغاز برگرداندن نامه‌های دیوانی از عربی به فارسی؛ نوشتن نامه‌های غیررسمی؛ لزوم کاربرد عناوین در نامه‌ها.....	۲۹۲-۲۹۵
انواع نامه‌ها در دوره غزنویان؛ نامه توقیعی؛ نسخه و نسخه‌نامه؛ عریضه؛ مُشافهه؛ تذکره؛ رقعہ؛ سلطانیات (نامه‌های سلطانی)؛ ارکان سلطانیات؛ اخوانیات؛ ارکان اصلی اخوانیات؛ ارکان فرعی اخوانیات؛ سوگندنامه (قَسَم‌نامه)؛ نامه عنایتی؛ عهدنامه؛ مواضع؛ بیعت‌نامه؛ شفاعت‌نامه؛ نامه مَظالمی؛ نامه تهنیت/ تعزیت؛ گشادنامه؛ قصه (نامه شکایت)؛ معما (نامه معما)؛ ملطفه؛ پنهان کردن ملطفه؛ ملطفه توقیعی؛ منشور؛ زنهارنامه (امان‌نامه)؛ پندنامه؛ فتح‌نامه؛ شکست‌نامه.....	۲۹۶-۳۱۵
دبیر و دبیری در دوره غزنویان به روایت بیهقی.....	۳۱۶
پیش درآمد.....	۳۱۶
دبیری، پیش از اسلام.....	۳۱۷
دبیری، پس از ظهور اسلام.....	۳۱۸
دبیری در دوره غزنویان به روایت بیهقی.....	۳۱۸
انتخاب یا پیشنهاد دبیر.....	۳۲۰
مرتبه دبیران و تفاوت رتبه آنان.....	۳۲۰
عناوین دبیران.....	۳۲۱
ادوات دبیران؛ اسکدار؛ خریطه؛ کاغذ؛ قلم / قلم‌تراش / قلمدان؛ دُرُج؛ مُهر؛ دویت یا دوات؛ شکل و ظاهر دوات.....	۳۲۲-۳۲۵
اصطلاحات مرتبط با دوات در تاریخ بیهقی؛ دوات‌دار / دوات‌داری؛ دوات‌خانه / دویت‌خانه؛ دویت‌خانه سلطانی؛ حلقه.....	۳۲۵-۳۲۶
اصطلاحات مربوط به دبیران دیوان رسالت و دیگر دیوان‌ها؛ املا؛ بیاض؛ سواد؛ جواز؛ مخاطبه؛ جریده / جریده سواد؛ اثبات؛ رساله؛ سِجِل؛ نکت؛ خط؛ ذکر؛ مُحَرَّر؛ خدمت؛ تذکره؛ تعلیق؛ مترجم؛ استاد؛ شاگرد.....	۳۲۶-۳۳۳
وظایف صاحب دیوان رسالت و دبیران؛ تنظیم و تحریر مکاتب و مراسلات؛ رایزنی و مشاوره (مجلس کردن)؛ گرفتن، آوردن، بردن و عرضه پیغام؛ مُهر کردن پیغام؛ نسخه نامه، تهیه کردن پیش‌نویس (مسودانه، سواد) و تحریر آن (نوشتن و پاک‌نویس کردن)؛ ترجمه کردن نامه / ترجمه معما؛ نوشتن مثال و فرمان‌های پادشاه؛ نوشتن عهد (عهدنامه)؛ خواندن نامه؛ مثال دادن؛ نگاه‌داشتن فرمان؛ تعلیق کردن.....	۳۳۳-۳۴۱
صاحب‌دیوان‌ها و دبیران دیوان رسالت؛ خواجه بونصر مشکان؛ خواجه ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی؛ بوسهل زوزنی؛ طاهر دبیر.....	۳۴۱-۳۵۶

**بخش هشتم: دیوان برید.....**

۳۵۹.....

واژه برید.....

- ۳۶۰..... پیشینه دیوان برید در اسلام.....
- ۳۶۰..... دیوان برید در دوره غزنویان.....
- ۳۶۱..... تفاوت میان دیوان رسالت و دیوان برید.....
- ۳۶۱..... صاحب برید.....
- ۳۶۲..... نایب برید.....
- اصطلاحات دیوان برید: اسکدار؛ پیک/ قاصد؛ رسول؛ رسولدار؛ رسول‌نوازی؛ مُبَشِّر؛ مُجَمَّر؛ رکاب‌دار؛ چهاراسبه و دواسبه؛ خيلتاشان؛ دیوسوار..... ۳۶۲-۳۶۸.....
- بخش نه: دیوان قضا و داوری..... ۳۶۹.....**
- ۳۶۹..... معنی لغوی و اصطلاحی واژه قضا.....
- پیشینه دیوان قضا و دادرسی در دوره باستان: دادرسی آریایی‌ها و در آیین مهر؛ دادرسی در دولت عیلام؛ دادرسی در دوره مادها؛ دادرسی در دوره هخامنشیان؛ دادرسی در زمان اسکندر؛ دادرسی در دولت اشکانی؛ دادرسی در دولت ساسانی..... ۳۷۰-۳۷۴.....
- دادرسی در دوره اسلامی: قضاوت در دوره خلافت امویان؛ قضاوت در دوره خلافت عباسیان..... ۳۷۶-۳۷۸.....
- وظایف قضات در عهد خلفای راشدین..... ۳۸۰.....
- مستمري قضات در عهد خلفا..... ۳۸۳.....
- محل قضاوت در دوره خلفا..... ۳۸۴.....
- قضا در دوره سامانیان..... ۳۸۴.....
- قضا در عصر غزنویان..... ۳۸۵.....
- مجلس قضا..... ۳۸۷.....
- قاضی..... ۳۸۸.....
- نایب قاضی..... ۳۸۸.....
- امین قاضی..... ۳۸۹.....
- وکیل قاضی..... ۳۹۰.....
- شهود دارالقضا..... ۳۹۰.....
- حاکم..... ۳۹۱.....
- حاکم لشکر..... ۳۹۲.....
- حقوق و پاداش قضات..... ۳۹۳.....
- بیستگانی قاضیان..... ۳۹۴.....

- خلعت قاضیان ..... ۳۹۴
- فقاہت قضات ..... ۳۹۵
- مقام و منزلت قضات ..... ۳۹۵
- عزل و نصب قضات ..... ۳۹۷
- موروثی بودن قضاوت در خاندان‌های بزرگ ..... ۳۹۸
- صفات اخلاقی قاضی ..... ۳۹۹
- بعضی از وظایف قاضیان به استشهاد تاریخ بیهقی: صدور حکم عفو یا مجازات؛ صدور حکم شرعی (فتوا)؛ عقد معاملات؛ صدور حکم عقد ازدواج؛ مسؤلیت عمل‌ها (امور اداری و دیوانی) و مال‌ها؛ امور سپاه؛ رسولی کردن ..... ۴۰۰-۴۰۴
- چند اصطلاح معمول در دیوان قضا: سجل؛ محضر؛ قبالة نوشتن؛ مُعدّل و مُزکی؛ مرافعه ..... ۴۰۵-۴۰۸
- قاضیان معروف در دوره غزنویان: قاضی بویوسف یعقوب بن یوسف انصاری پسر ایوب؛ ابوالعباس تبّانی؛ بوسادق تبّانی؛ بوظاهر تبّانی؛ قاضی القضاة احمد بن ابی داوود؛ قاضی صاعد؛ قاضی ابوالحسن علی؛ قاضی بونصر صینی؛ قاضی ابوالحسن بولانی؛ قاضی منصور؛ قاضی مختار بوسعد؛ قاضی امام بوالهیشم؛ قاضی علی طبقاتی (؟)؛ قاضی محمود؛ قاضی ابوالعباس؛ قاضی خسرو؛ بومحمد بسطامی؛ قاضی ابوالحسن؛ بونصر مطوعی روزنی ..... ۴۰۸-۴۲۹
- خطبه و خطیب به روایت بیهقی ..... ۴۳۰
- خطبه ..... ۴۳۱
- خطبه خواندن به اسم خلیفه جدید ..... ۴۳۱
- خطبه به اسم پادشاه جدید ..... ۴۳۲
- خطبه خواندن به اسم والی و حاکم جدید ..... ۴۳۳
- خطیب سلطانی و خطبای محلی ..... ۴۳۳
- وظیفه اصلی خطیب ..... ۴۳۴
- خلعت دادن به خطیبان ..... ۴۳۴
- خطیبان معروف دوره غزنویان: خطیب ابوعثمان اسماعیل صابونی؛ خطیب ابوالحسن قطّان؛ ابوالعلا صاعد بن منصور بن اسماعیل؛ خطیب بخارا، عبدالله پارسى ..... ۴۳۴-۴۳۷
- بخش ده: دیوان مظالم، تشکیلات خرس، تشکیلات حسبه ..... ۴۳۹**
- واژه و اصطلاح مظالم ..... ۴۳۹
- دیوان مظالم ..... ۴۳۹
- وظایف دیوان مظالم ..... ۴۴۰

- ۴۴۲ ..... مجلس مظالم (مظالم‌گاه)
- ۴۴۴ ..... مجلس مظالم در تاریخ بیهقی
- ۴۴۶ ..... اعضای دادگاه مظالم
- ۴۴۷ ..... والی مظالم
- ۴۴۸ ..... تشکیلات خَرس
- ۴۴۸ ..... واژه خَرس
- ۴۴۸ ..... اصطلاح حرس
- ۴۴۸ ..... خیمه حرس
- ۴۴۹-۴۵۴ ..... مجریان حرس (مأموران انتظامی): والی حرس؛ امیر حرس؛ شِحنه؛ عسس؛ رئیس؛ خلیفه؛ محتسب
- ۴۵۵ ..... تشکیلات حسبه
- ۴۵۸-۴۵۹ ..... بعضی از مجازات‌های معمول در دوره غزنویان: تازیانه زدن؛ عقابین؛ دار زدن

#### ۴۶۱ ..... بخش یازده: اوقاف

- ۴۶۱ ..... اصطلاح وقف
- ۴۶۳ ..... تاریخچه وقف در اسلام
- ۴۶۳ ..... وقف در زمان بنی‌امیه
- ۴۶۳ ..... وقف در زمان عباسیان
- ۴۶۳ ..... اوقاف در دوره غزنویان
- ۴۶۴-۴۶۶ ..... انواع وقف در تاریخ بیهقی: اوقاف مساجد؛ اوقاف رباطها؛ اوقاف مدارس؛ اوقاف شخصی
- ۴۶۶ ..... متولی وقف در دوره غزنویان
- ۴۶۸ ..... شغل اشراف در اوقاف
- ۴۶۸ ..... رسیدگی به طُرق و سُبُل

#### ۴۶۹ ..... فصل ۶: مذهب

- ۴۷۱ ..... دیپلماسی دینی غزنویان
- ۴۷۱ ..... تعصب دینی
- ۴۷۱ ..... حمله به هند به بهانه دین‌گستری
- ۴۷۲ ..... جلب اعتماد علمای دین
- ۴۷۲ ..... دیپلماسی دینی محمود



دیلماسی دینی مسعود..... ۴۷۵  
 فقهای دوره غزنویان: ابوحنیفه اسکافی؛ فقیه نوح؛ فقیه عبدالملک طوسی ندیم؛ دانشمند حسن برمکی؛ فقیه ابوبکر حصیری؛ دانشمند نبیه (؟)؛ بوبشر تبّانی؛ بوصادق تبّانی؛ بوصالح تبّانی..... ۴۷۷-۴۷۵

## فصل ۷: خانواده ..... ۴۷۹

تعلیم و تربیت ..... ۴۸۱  
 روابط افراد خاندان غزنویان با یکدیگر ..... ۴۸۱  
 زن در ایران باستان ..... ۴۸۲  
 زن در دوره غزنویان ..... ۴۸۳  
 زنان مطرح در تاریخ بیهقی: زنان حرم‌سرا؛ زنان مؤثر بر مسائل سیاسی؛ زن به‌عنوان ابزار سیاسی؛ زن، مظهر صبر و استقامت؛ زن مورد اعتماد و مشورت؛ پارسازنان؛ عاقله‌زن؛ حرّات؛ زن به‌عنوان آموزگار؛ زن مُعَبَّر؛ زنان مطرب و پایکوب؛ زنان نیکوخط ..... ۴۸۹-۴۸۴  
 ازدواج و آداب و رسوم آن ..... ۴۹۰  
 ازدواج در دوره مغول ..... ۴۹۰  
 ازدواج در دوره صفویه ..... ۴۹۰  
 ازدواج در دوره قاجار ..... ۴۹۱  
 ازدواج در دوره غزنویان به استشهداد تاریخ بیهقی ..... ۴۹۱  
 ازدواج‌های مطرح در تاریخ بیهقی: ازدواج دو دختر امیریوسف با پسران امیرمحمود؛ ازدواج مسعود با دختر قدرخان و ازدواج مودود (پسر مسعود) با دختر بغرانگین؛ ازدواج مسعود با دختر باکالیجار (حاکم گرگان)؛ ازدواج امیرمردانشاه با دختر بگتندی؛ ازدواج یفانتگین با خُرّه زینب (دختر سلطان محمود)؛ ازدواج دختر مسعود با پسرعمش؛ ازدواج دختر سبکتکین با ابوالعباس خوارزمشاه؛ عقد مسعود با دختر قدرخان؛ ازدواج دختر امیرمحمود با والی گرگان ..... ۴۹۵-۴۹۱  
 بعضی از رسم‌های ازدواج و خواستگاری در تاریخ بیهقی: تذکره کردن هدیه‌ها؛ مهر نهادن بر عروس؛ جهیزیه فرستادن با عروس؛ نثار درهم و دینار و تکلف کردن؛ استقبال بزرگان و زنان محتشمان از عروس؛ آیین بستن شهر در استقبال از عروس؛ دادن صلّه و انعام به افراد؛ هدیه فرستادن برای عقد تزویج ..... ۴۹۸-۴۹۶

## فصل ۸: بعضی دیگر از آداب و رسوم مطرح در تاریخ بیهقی ..... ۴۹۹

بخش نخست: مراسم خلعت دادن و خلعت پوشی ..... ۵۰۱  
 خلعت درخور منصب و نحوه دادن آن ..... ۵۰۲

- زمان مناسب خلعت پوشیدن (طالع‌بینی) ..... ۵۰۲
- خلعت پوشاندن توسط حاجبان ..... ۵۰۲
- دادن انگشتری ملک پس از خلعت پوشیدن ..... ۵۰۳
- همراه با خلعت اسب منصبی برای کسی خواستن ..... ۵۰۳
- هدیه خلعت پوش وزیر به سلطان ..... ۵۰۴
- انواع خلعت: خلعت نصبی؛ خلعت جلب اعتماد؛ خلعت رضا و شکر؛ خلعت ترغیب و تشویق؛ خلعت پیشگیری از خلل در کارها؛ خلعت جلوگیری از نابسامانی؛ خلعت صلح؛ خلعت مصلحتی؛ خلعت تجدید عهد؛ خلعت شادی؛ خلعت سیاست؛ خلعت رفع کدورت؛ خلعت پیشگیری از تجاوز؛ خلعت دامادی ..... ۵۰۴-۵۱۳
- کسانی که به آن‌ها خلعت می‌دادند: والیان؛ مُبشران؛ امیران ولایت‌ها؛ سپاه‌سالاران؛ وزیران؛ حاجبان؛ پیلانان؛ رسولان؛ خطیب‌ها و قاضی‌ها؛ کدخداها؛ کوتوال و سرهنگان قلعه ..... ۵۱۳-۵۱۵

### بخش دوم: آداب و رسوم شراب و شراب‌نوشی در دربار غزنویان به تصریح تاریخ بیهقی ... ۵۱۷

- پیش درآمد: کشف شراب؛ پیشینه اساطیری شراب؛ تاریخچه تحریم شراب در اسلام؛ شراب از نظر علمی؛ انواع شراب؛ مکان (مجلس شراب)؛ زمان شراب نوشیدن ..... ۵۱۷-۵۲۱
- ظرف‌های شراب: خُم؛ تَنگ / صراحی؛ جام؛ هفت خط جام ..... ۵۲۱-۵۲۲
- کاربرد ظروف شراب به استناد تاریخ بیهقی ..... ۵۲۳
- مراسم و مجالس شراب به استناد تاریخ بیهقی ..... ۵۲۳
- بعضی از رسوم شراب‌نوشی به استناد تاریخ بیهقی: صبوحی کردن؛ افتخار باده‌نوشی در مجلس سلطان؛ جرعه‌افشانی بر خاک؛ جرعه‌فشانی بر گل؛ گل‌افشانی؛ بر خضرا شراب خوردن با حضور مطربان؛ نقل و نرگس در مجلس شراب؛ فرستادن مجلس‌خانه زربین با صراحی‌های پرشراب؛ همراهی موسیقی (مطرب) و شعرخوانی در مجالس می؛ شیطنت شراب؛ ساقیگری غلامان ..... ۵۲۵-۵۲۹
- شراب‌نوشی در جشن‌ها و اعیاد: شراب‌نوشی در عیدهای مذهبی؛ شراب‌نوشی در اعیاد باستانی ..... ۵۳۰-۵۳۱
- مناسبت‌های دیگر برای برگزاری مجالس می‌گساری: گشودن گره انده از دل؛ در پذیرایی و استقبال از بزرگان و پادشاه؛ هنگام شنیدن خبری خوش؛ هنگام آراستن و بسیج کردن سپاه برای نبرد؛ به نشانه دوستی؛ به یاد کسی؛ در شکار ..... ۵۳۲-۵۳۴

### بخش سوم: آداب و رسوم اعیاد در دوره غزنویان ..... ۵۳۵

- الف) عیدهای باستانی: پیش درآمد؛ جشن سده؛ جشن نوروز؛ جشن مهرگان ..... ۵۳۵-۵۴۳
- ب) اعیاد اسلامی: عید فطر و رمضان؛ عید قربان (اضحی) ..... ۵۴۷-۵۵۰

**۵۵۳..... فهرست نامها**

۵۵۵..... نامهای اشخاص

۵۶۳..... نامهای مکانها

۵۶۷..... نامهای کتابها

۵۶۹..... دیگر اعلام

**۵۷۳..... کتابنامه**

## پیش‌درآمد

از آنجایی که نقد ادبی انواع مختلفی دارد، در این گستره، هر یک از متون ادبی را می‌توان با نقد یا نقدهای خاصی موردسنجش، بحث و بررسی قرار داد. برای مثال، رویکرد نقد جامعه‌شناسی و نقد انسان‌شناسی با متون ادبی خاصی سازگاری دارد. تاریخ بیهقی به دلیل محتوای خاص آن، در زمره متونی است که می‌توان آن را با نقد جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی مورد نقد، بحث و بررسی قرار داد. با توضیح این که از چند دیدگاه دیگر نیز قابل نقد است؛ ولی بعضی نقدها مانند هرمنوتیک را بر نمی‌تابد. بنابراین برخی از متون ادبی تنها با نوع نقد خاصی سازگاری دارند؛ برای مثال متون عرفانی مانند مثنوی مولوی بیشتر با گونه نقد هرمنوتیک سازگاری دارد.

بررسی بیشتر متون ادبی از بعد جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی که مستعد چنين نقدي هستند، می‌تواند به فهم و درک بیشتر این متون کمک بکند. از طرفی پرداختن به بن‌مایه‌های اجتماعی و فرهنگی متون ادبی رهیافت‌های ارزشمندی را در دسترس سخن‌سنجان می‌تواند بگذارد. همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، تاریخ بیهقی در زمره متون ادب فارسی است که زمینه‌های جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی، در آن نمود و بازتاب بیشتری دارد، که می‌تواند نسبت به متون دیگر ادبی حائز اهمیت باشد.

بستر غنی فرهنگی آثاری مانند تاریخ بیهقی، گواهی بر وسعت اندیشه و توانمندی نویسندگان آن‌ها است. این‌گونه نویسندگان با احاطه بر انبوهی از اطلاعات در زمینه واقعیت‌های عینی و شرایط جامعه خود و غور در ژرفای آن‌ها، توانسته‌اند با زبان ادبی ظریفی، تحسین خواننده را در ارائه واقعیت‌های جامعه برانگیزند و به‌رغم گذشت سده‌های متمادی، این‌گونه آثار تمام مناسبات «فرد» و «جامعه» و موضوعاتی از قبیل خانواده، تعلیم و تربیت، اقتصاد، شعائر اجتماعی، علم و دانش، ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی، دینی، هنرها و قوانین، نظارت و هدایت اجتماعی، مشروعیت نظام سیاسی و حکومتی، استبداد و خودکامگی و رهبری و غیره را در بر می‌گیرند.

---

فصل ۱

کلیات

---

در این فصل از کتاب، تلاش بر آن است که خوانندگان محترم این کتاب برای شناخت عناصر فرهنگی تاریخ بیهقی، آشنایی مختصری با «فرهنگ» و گستره معنایی آن، تعاریف و موضوعات مربوط به آن از منظر جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان (مردم‌شناسان) پیدا کنند. بدین سبب، این فصل شامل تعاریف و اصطلاحاتی در زمینه فرهنگ‌شناسی بدون اظهارنظر مؤلف است. نیاز به یادآوری است که نگارنده نقد و بررسی تئوری‌ها و تعاریف مطرح در این قسمت را در تخصص خود نمی‌داند؛ البته مرجع‌های ارائه‌شده در زمینه فرهنگ‌شناسی از دیدگاه‌های مختلف به خوانندگان محترم این امکان را می‌دهد تا در صورت ممکن با نقد و بررسی انواع نظریه‌های مربوط به «فرهنگ» از منظر علوم جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی بیشتر آشنا شوند.

## جامعه<sup>۱</sup>

«جامعه» واژه‌ای عربی و تأنیث جامع است و در فرهنگ لغات در معانی گردآورنده، جمع‌کننده، فراهم‌آورنده، مجتمع، مردم یک ده در روستا، شهر و کشور، محل تجمع و دانشگاه و غیره به کار رفته است.

جامعه انسانی شامل عده‌ای، گروهی یا گروه‌هایی از مردم است که در جایی ساکن هستند و دارای نهادها، سازمان‌ها، تأسیسات خاص اجتماعی، مقررات و قواعد، اعتقادات و ارزش‌ها و نیز روابطی هستند که امور و مسائل مشترک دارند، هدف یا هدف‌هایی را تعقیب می‌کنند و مشارکتشان ارادی و آگاهانه است و ارتباطات آنان منشاء همه نوع فعالیت می‌شود.

جامعه‌شناسی معاصر جامعه را از افراد و افراد را از جامعه می‌داند؛ یعنی فرد در جامعه، نشو و نما دارد و جامعه بدون فرد به تصور در نمی‌آید و این دو در تأثیر و تأثر مداوم هستند؛ اما قدرت اثربخشی جامعه بیشتر است، ولی از تأثیر افراد خاص در زمان‌ها و جامعه‌های مختلف و به درجات متفاوت، نباید غفلت کرد. به‌اجمال، می‌توان گفت: «جامعه به انسان حیثیت می‌بخشد و برایش شخصیت فراهم می‌آورد. رشد شخصی انسان از جهات و جنبه‌های مختلف مانند رشد حسی، عقلی، فکری و ذهنی، اخلاقی، دینی و فرهنگی در جامعه صورت می‌گیرد.»<sup>۲</sup>

## جامعه‌شناسی<sup>۳</sup>

جامعه‌شناسی معادل Sociologie در زبان فرانسه است که خود از واژه‌های Societe (جامعه) و Logos (شناخت، علم و گفتار منطقی) مشتق شده است.

علم «جامعه‌شناسی» با مرکز قرار دادن «موجود انسانی»، به‌ویژه «روابط اجتماعی» انسان‌ها در یک بیکره اجتماعی، تلاش گسترده‌ای را از زمان تکوین خویش تاکنون به کار برده و می‌برد. روابط اجتماعی افراد در مسیر پوشش نیازهای انسان‌ها در قالب قواعد (هنجارها) و قراردادهای اجتماعی، مناسبات، مناسک و شعائر اجتماعی متفاوت و متناسب با هر محیط اجتماعی و در نظر گرفتن محدوده‌های مکانی و زمانی هر جامعه صورت می‌پذیرد.

1. Society

۲. آراسته‌خو، نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی و اجتماعی، ص ۲۹۰.

3. Sociology

با چنین پیشینه و استدلالی، می‌توان ادعا کرد که جامعه‌شناسی ریشه در نخستین اجتماعات انسانی و قدمتی به درازای تاریخ بشر دارد که وظیفه علمی‌اش مطالعه ابعاد مختلف و ظرفیت‌های موجود در «روابط اجتماعی» است.

جامعه‌شناسان «روابط اجتماعی» را مهم‌ترین هسته جامعه‌شناسی می‌دانند و به‌جرات می‌توان گفت که روابط اجتماعی یکی از مهم‌ترین موضوعات در جامعه‌شناسی است که همگی بر موجودیت و اهمیت آن اتفاق نظر دارند.

– جامعه‌شناسی چشم‌اندازی مشخص و فوق‌العاده روشنگر درباره رفتار انسانی ارائه می‌کند. یادگیری جامعه‌شناسی به معنای رها کردن تبیین‌های شخصی درباره جهان و نگرستن به تأثیرات اجتماعی است که زندگی ما را شکل می‌دهند.<sup>۱</sup>

– جامعه‌شناسی مطالعه زندگی اجتماعی، گروه‌ها و جوامع انسانی است. از دید جامعه‌شناسان، این مطالعه هیجان‌انگیز و مجذوب‌کننده است و موضوع اصلی آن رفتار خود ما به‌عنوان موجودی اجتماعی است. دامنه جامعه‌شناسی بی‌نهایت وسیع است و از تحلیل برخوردهای گذرا بین افراد در خیابان تا بررسی فرایندهای اجتماعی جهانی را در بر می‌گیرد.<sup>۲</sup>

## نظریه جامعه‌شناختی

اصطلاح نظریه جامعه‌شناختی، به‌صورت ابهام‌آمیزی به‌کار می‌رود؛ به‌طوری که گاهی هر نوع تحقیقی را در بر می‌گیرد و گاهی نیز فقط، نتایج حاصل از تحقیقات تجربی است که به شیوه استقرایی جمع‌بندی شده‌اند.<sup>۳</sup> به‌طور خلاصه، می‌توان گفت «نظریه جامعه‌شناختی» به‌معنای برخورداری عینی و عملی از نظریه یا مفهوم نظری علم جامعه‌شناسی است که شکلی کاملاً کاربردی دارد و هرگاه بخواهیم نظریه یا فرضیه جامعه‌شناسی را در پهنه میدانی (جامعه مورد مطالعه) بیازماییم، به‌نوعی به سنجش عینی - علمی با رویکرد جامعه‌شناختی مبادرت کرده‌ایم.

جامعه‌شناسی هم یکی از علوم اجتماعی است و هم بر همه علوم اجتماعی شمول دارد و به دو مقوله وسیع تقسیم می‌شود:

**الف) جامعه‌شناسی عمومی:** این شاخه کلیاتی مانند تمایز انسان اجتماعی با موجودات دیگر، جامعه و اجتماع، مفاهیم، ماهیات و موضوعات عمومی جامعه و امور و پدیده‌های اجتماعی و صفات و جنبه‌های آن را بررسی می‌کند.

۱. گیدنز، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، ص ۷.

۲. همان، ص ۱۰.

۳. لازار سفلد، بینش‌ها و گرایش‌های عمده در جامعه‌شناسی معاصر، ترجمه غلام‌عباس توسلی، ص ۲۳.



ب) **جامعه‌شناسی خصوصی:** این شاخه از نظر تعداد موضوعات و امور، دارای شاخه‌های متعددی است. از جمله: جامعه‌شناسی ارتباطات، جامعه‌شناسی اقتصادی، جامعه‌شناسی دینی، جامعه‌شناسی شهری، جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی احزاب، جامعه‌شناسی جرم، جامعه‌شناسی حقوقی و جامعه‌شناسی هنر و ادبیات.<sup>۱</sup>

جامعه‌شناسی به‌طور کلی روابط انسانی جامعه را کندوکاو می‌کند و شامل موضوعاتی مانند رابطه بین طبقه حاکم و مردم و رابطه میان کسانی است که ستم می‌کنند یا بر آنها ستم می‌شود.<sup>۲</sup> زمینه مطالعات علم جامعه‌شناسی را بستر «فرهنگ» با تمام ابعاد آن تشکیل می‌دهد که متشکل از «نهادهای» (سازه) مختلف است. در این کتاب نیز بررسی سازه‌های فرهنگ در جامعه، بیشتر از دیدگاه جامعه‌شناسی است که تعریف آن از این دیدگاه در این بخش خواهد آمد.<sup>۳</sup>

## فرهنگ

**معنی لغوی فرهنگ:** «فرهنگ»<sup>۴</sup>، لغت فارسی، مرکب از دو جزء «فر» و «هنگ» است که در معانی مختلف به کار رفته است: دانش، دانایی، خرد، معرفت، حرفه و هنر، ادب و ... در اصطلاح روشن‌فکران، «بافرهنگ» مترادف است با «مبادی آداب»، «اهل مطالعه» و «خوش‌مشرب» و غیره. نزد فرانسوی‌ها، متضاد آن، «بی‌فرهنگ»، مترادف با «بی‌تمدن» است.<sup>۵</sup>

## الف) مفهوم فرهنگ در انسان‌شناسی

تعریفی که سر ادوارد تایلور (۱۹۱۷-۱۸۳۲) در ۱۸۷۱، در کتاب *فرهنگ ابتدایی* از فرهنگ ارائه می‌کند، به‌عنوان تعریفی جامع و مانع معروف است: «فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد به‌عنوان عضو جامعه، از جامعه خود فرا می‌گیرد و در برابر آن جامعه، وظایف و تعهداتی بر عهده دارد» و نیز گی روشه فرهنگ را عبارت می‌داند از: «مجموعه به‌هم‌پیوسته‌ای از اندیشه‌ها، احساسات و اعمال کم‌وبیش صریح که به‌وسیله اکثریت افراد یک گروه پذیرفته شده است و برای اینکه این افراد،

۱. آراسته‌خو، نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی و اجتماعی، ص ۳۰۲.

۲. شرم‌ن و وود، دیدگاه‌های نوین جامعه‌شناسی، ترجمه مصطفی ازکیا، ص ۴۰.

۳. در نوشتن این قسمت از مقاله دلگشایی، واحد دوست، «نهاد سیاست در سیاستنامه»، مجموعه مقالات ششمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، ص ۲۱۵ استفاده شده است.